

بررسی عوامل مرتبط و شناسایی راهکارها و شیوه‌های موثر

کاهش سرقت به عنف در شهرستان کرمان

مجید حکاک زاده^۱، محمد حسن میرزایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: سرقت به عنف نسبت به سایر انواع سرقت‌ها تأثیر بیشتری بر کاهش امنیت عمومی در جامعه داشته و موجب افزایش احساس نا امنی در شهروندان می‌گردد. در این پژوهش از رویکردهای جامعه‌شناختی در خصوص انحراف و جرم شامل تئوری فشارهای ساختاری، تئوری انتقال فرهنگی (پیوند افتراقی ساترلند) تئوری کنترل اجتماعی (آلفرد هیرشی) و تئوری برچسپ (انگ) استفاده شده است. روش شناسی: این پژوهش از نوع پیمایشی با روش توصیفی و تحلیل است. ابزار این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته با ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۹ است. جامعه آماری این پژوهش کلیه مرتکبین سرقت به عنف شهر کرمان می‌باشد که طی سال ۱۳۸۹ توسط کلانتری‌ها و آگاهی کرمان دستگیر شده و در دادگاه جرم شان اثبات گردیده است ($n=352$) است.

نتایج: عمده‌ترین نتایج عبارتند از: عدم قاطعیت دستگاه قضایی با وزن بتای (-۰/۲۸)، عدم بازدارندگی و کم اثر بودن مجازات‌ها با وزن بتای (-۰/۳۱)، عدم نایز به برنامه ریزی و امکانات خاص با وزن بتای (-۰/۳۵)، عدم توجه مردم به نکات ایمنی و تردد در مناطق خلوت با وزن بتای (-۰/۳۳)، ضعف و ناتوانی جسمی مال باختگان در اثر پیری، کم سن و سال بودن و... با وزن بتای (-۰/۵۲)، احساس ناکامی و اجحاف با وزن بتای (-۰/۳۸)، عدم امکان ردیابی اکثر اشیاء مسروقه با وزن بتای (-۰/۴۱)، کم رنگ بودن حضور پلیس با وزن بتای (-۰/۵۸) و پایین بودن ریسک دستگیری با وزن بتای (-۰/۶۲) که مجموعاً در حدود ۸۸ درصد) واریانس افزایش انگیزه روانی سارقین به انجام سرقت را تبیین می‌نمایند.

واژه‌های کلیدی: سرقت به عنف، تئوری فشارهای ساختاری، تئوری انتقال فرهنگی، تئوری کنترل

اجتماعی، تئوری برچسپ.

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، ایران (نویسنده مسئول) - ۰۹۱۳۳۷۷۸۸۹۰ - traffic_safety۸۲@yahoo.com

^۲ - دانش آموخته ارشد علوم سیاسی، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان - ۰۹۱۹۶۶۴۰۶۴۰ - mirzaai۲۰۲۰@gmail.com

بیان مسئله

از نظر لغوی سرقت کلمه‌ای است عربی از ماده «سَرَقَ» به فتح یا کسر راء به معنای «دزدیدن» و مصدر آن «سَرَقَهُ» است. سرقت واژه‌ای عربی و به معنای «ربایش» است. در منابع فقهی تعریف مشخصی از سرقت نشده است ولی در قانون مجازات اسلامی از آن به ربودن مال غیر به طور پنهانی، تعریف شده است (ماده ۱۹۷) در پاره‌ای از متون علمی و حقوقی سرقت را؛ ربودن متقابلانه مال منقول متعلق به غیر تعریف نموده‌اند. (صبری، ۱۳۸۸:

۴۳)

در مورد انواع سرقت نیز همانند تعاریف مربوط به آن با دسته بندی‌های متعددی روبرو هستیم دسته بندی‌های که گاه سرقت را به لحاظ حقوقی، گاه به لحاظ شکل و فرم و محتوی، گاه به لحاظ نوع وسیله سرقت شده و گاه به لحاظ شیوه عمل سارق صورت گرفته که هر کدام در جای خود کاربردهای ویژه خود را دارند در اکثر کشورهای جهان، جرم سرقت به دلیل تنوع و گوناگونی آن به انواع مختلفی که هر یک شرایط خاص و مجازات مخصوص به خود را دارد، تفکیک شده است برای مثال (سرقت ساده، سرقت مسلحانه، سرقت از بانک‌ها و) که معمولاً هر کدام بنا به شکل و محتوی خود و پیامدها و اثراتی که بر جامعه می‌گذارند و به همان نسبتی که امنیت جامعه را تحت الشعاع خود قرار میدهند، یکی از انواع سرقت‌ها که بویژه در چند سال گذشته در جامعه متأسفانه به شکل نسبتاً زیاد و گسترده‌ای رواج یافته است سرقت به عنف می‌باشد که به اشکال متنوع و مختلفی از سوی برخی از سارقین در جامعه انجام می‌شود ولی شاید به دلیل جدید و نو ظهور بودن آن متأسفانه تعریف علمی و حتی حقوقی چندانی از آن وجود ندارد. این نوع از سرقت معمولاً به شکل گروهی (دو یا چند نفره) و با استفاده از موتور سیکلت انجام می‌شود و سارقین برای انجام آن کوچه‌ها، خیابان‌ها و معابر خلوت و یا معابری که کمتر مورد تردد و نظارت پلیس قرار دارند را انتخاب کرده و به بطور

معمول با خشنونت و تهدید و استفاده از سلاح‌های سرد افرادی را که عمدتاً تنها می‌باشند را سرقت قرار داده و کیف، ساک دستی، موبایل و محتویات جیب‌های آنان را ربوده و بالا فاصله به وسیله نقلیه خود متواری می‌گردند.

در حال حاضر از آنجا که از یک طرف این نوع از سرقت‌ها متاسفانه بطور نسبتاً زیادی در جامعه مشاهده شده و در حال گسترش می‌باشد و از طرف دیگر نسبت به سایر انواع سرقت‌ها تأثیر زیادتری بر کاهش امنیت عمومی در جامعه داشته و افزایش احساس نا امنی و ایجاد رعب و وحشت در شهروندان می‌گردد. بیشتر حساسیت مردم و مسئولین بویژه مدیران و دست‌اندرکاران را به خود معطوف نموده و این سوالاتی را در ذهن متبادر می‌سازد که اساساً دلایل و ریشه‌های انجام و شیوع چنین جرمی در جامعه چیست؟ چرا و به به دلیل چه عواملی برخی مرتکب انجام سرقت به عنف می‌شوند؟ چگونه و با استفاده از چه شیوه‌ها و راه کارهایی می‌توان موجبات کاهش این نوع جرم و شیوع آن در جامعه را فراهم آورد؟ و... که قطعاً پاسخ دادن به این سوالات در گرو داشتن اطلاعات دقیق و علمی است لذا بر همین اساس بر آن شدیم تا با انجام این پژوهش ضمن بررسی واکاوی علمی این مسئله و شناسایی و ریشه یابی دلایل، شیوه‌ها و راهکارهای عملی کاهش آن را شناسایی نماییم. بر همین اساس اهداف تحقیق از انجام این پژوهش بررسی و شناسایی مهم‌ترین عوامل خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی (خرده فرهنگ‌ها) و شناسایی راه کارهای عملی و شیوه‌های موثر کاهش جرم سرقت به عنف در کرمان می‌باشد که امید است نتایج حاصل از این پژوهش بتواند مسئولین و مدیران انتظامی را در مبارزه، مقابله و کاهش سرقت به عنف در جامعه و نهایتاً افزایش احساس امنیت در شهروندان موثر باشد.

پیشینه و مفاهیم تحقیق

سرقت: از نظر لغوی سرقت کلمه‌ای است عربی از ماده «سَرَقَ» به فتح یا کسر راء به معنای «دزدیدن» و مصدر آن «سَرَقَهُ» است. سرقت واژه‌ای عربی و به معنای «ربایش» است. در منابع فقهی تعریف مشخصی از سرقت نشده است ولی در قانون مجازات اسلامی از آن به ربودن مال غیر به طور پنهانی، تعریف شده است (ماده ۱۹۷) در پاره‌ای از متون علمی و حقوقی سرقت را؛ ربودن متقلبانه مال منقول متعلق به غیر تعریف نموده‌اند. (صبری: ۱۳۸۸: ۴۳).

سرقت به **عنف**: سرقت به عنف سرقتی است که معمولاً به شکل گروهی (دو یا چند نفره) و با استفاده از موتور سیکلت انجام می‌شود و سارقین برای انجام آن کوچه‌ها، خیابان‌های خلوت و یا معابری که کمتر مورد تردد و نظارت پلیس قرار دارند را انتخاب کرده و به بطور معمول با خشونت و تهدید و استفاده از سلاح‌های سرد افرادی را که عمدتاً تنها می‌باشند را مورد سرقت قرار داده و کیف، ساک دستی، موبایل و محتویات جیب‌های آنان را ربوده و بالا فاصله به وسیله نقلیه خود متواری می‌گردند؛ لذا می‌توان ویژگی‌های این نوع از سرقت یعنی سرقت به عنف را در موارد ذیل خلاصه نمود.

- گروهی بودن آن (دو یا چند نفره بودن)؛
- استفاده از وسائل نقلیه تند رو در انجام آن (بطور معمول موتور سیکلت)؛
- انجام و اجرای آن در کوچه‌ها و خیابان‌های خلوت و یا معابری که کمتر مورد تردد و نظارت پلیس قرار دارند؛
- حمل سلاح سرد بوسیله سارقین مانند چاقو، کارد، تبر و... و استفاده موردی از آن برای تهدید افراد؛
- ربودن کیف، ساک دستی و محتویات جیب افراد در این نوع سرقت‌ها؛
- متواری شدن سریع سارقین بوسیله وسیله نقلیه (موتور سیکلت).

انواع سرقت به عنف

سرقت به عنف مصادیق متنوع و مختلفی دارد و به اشکال گوناگونی انجام می‌گیرد اما بطور کلی می‌توان آن را به دو دسته ذیل دسته بندی نمود.

الف: سرقت به عنف به شکل حرفه‌ای: سرقت به عنف از نوع حرفه‌ای آن با نقشه و قصد قبلی و تحت نظر گرفتن مال باخته از سوی سارقین و معمولاً در مراکز و معابری که در آن‌ها بانک‌ها، فروشگاه‌ها ی از جواهر فروشی و... انجام می‌شود. در این نوع از سرقت به عنف سارقین معمولاً بطور دائم و روزمره به این کار مبادرت می‌ورزند. در این نوع از سرقت به عنف معمولاً ارزش اقتصادی و ریالی اشیاء ربوده شده و محتویات آن زیاد و قابل ملاحظه می‌باشد.

ب: سرقت به عنف از نوع آماتور و غیر حرفه‌ای: سرقت به عنف از نوع آماتور آن معمولاً بوسیله افراد غیر حرفه‌ای و بدون قصد و نقشه قبلی و بصورت آنی و عمدتاً در محله‌ها و معابری خلوت انجام می‌گیرد. در این نوع معمولاً سارقین بصورت دائم و حرفه‌ای به انجام سرقت اشتغال نداشته و معمولاً انگیزه انجام سرقت در آن‌ها بیشتر ناشی از بی‌مبالاتی و عدم توجه شهروندان به نکات ایمنی می‌باشد در این نوع از سرقت به عنف معمولاً ارزش اقتصادی و ریالی اشیاء ربوده شده توسط سارقین چندان قابل توجه نمی‌باشد.

چارچوب تئوریک و نظری پژوهش

هرجا جمعی از انسان‌ها گردهم آمده‌اند، برای رفع آسان‌تر و بهتر نیازهای خود به امنیت، آسایش و سلامت و هر نوع نیاز دیگری، هنجارهایی ساخته‌اند و همه را به تبعیت از آن‌ها فراخوانده‌اند. مجموعه هنجارها، البته به تبع تاریخ، جغرافی و طبع و طبیعت انسان‌ها متفاوت و میزان تبعیت افراد و گروه‌ها از این هنجارها متغیر بوده است. مطابق

همان هنجارها، همیشه متخلفان را مجازات کرده و معمولاً به هم‌نویان پاداش داده‌اند. اما از همان آغاز بر سر این موضوع که چه کسی متخلف است و علت تخلف او چیست، مناقشات فراوانی وجود داشته است لذا تبیین این موضوع که چرا مردم از هنجارهای خاصی سرپیچی کرده و می‌کنند، همیشه و مثل هر حوزه دیگری از مباحث علمی، برعهده نظریه هاست. پرداختن به مباحث نظری موضوع، به ویژه زمانی ضرورت بیشتری پیدا می‌کند که حجم کج رفتاری‌های مردم از سقف تحمل جامعه فراتر رفته و نگرانی‌هایی ایجاد کرده باشد. در زمانه موجود که برخی هنجارشکنی‌ها از جمله تخلفات رانندگی، سرقت، نابهنجاری‌های اخلاقی، اختلاس و رشوه خواری، تقلب، اعتیاد به مواد مخدر، ایدز، کودکان و زنان خیابانی، از حد معمول و آشنای جامعه بیشتر شده و نرخ فزاینده‌ای هم یافته است، همه جا و همه کس می‌پرسند چرا این همه از مردم کج رفتاری می‌کنند، و برعهده نظریه هاست که به این سؤال مهم و اساسی پاسخ گویند. مجموعه صاحب نظرانی که تعریفی از کج رفتاری ارائه داده‌اند را می‌توان به چند گروه بزرگ تقسیم کرد. (شیخاوندی: ۱۳۸۸: ۲۱)

یک گروه آنانکه کج رفتاری را پدیده‌ای زیستی دانسته و آن را از دیدگاه‌های زیستی و جسمانی مورد بررسی قرار داده‌اند و رویکرهای زیستی را مد نظر قرار داده‌اند. دسته دوم آنانکه مدعی‌اند کج رفتاری لزوماً ریشه روان شناختی داشته و و به آن از جنبه فردی و روانی باید نگاه کرد و در تحلیل و تبیین انحراف و جرم رویکردی روان شناسانه دارند. دسته سوم بر این باورند که ریشه و علل جرم و انحراف را باید در مسائل و مولفه‌ای اقتصادی جستجو نمود؛ لذا در تبیین جرم نگاه و رویکردی اقتصادی دارند. دسته چهارم که جامعه شناسان هستند جرم و انحراف را پدیده‌ای اجتماعی دانسته و بر این باورند که ریشه انحرافات و جرائم را باید در اجتماع جستجو نمود؛ لذا رویکردی کاملاً جامعه شناسانه در تحلیل و تبیین انحرافات و جرائم دارند.

البته در این میان چون این پژوهش اساساً پژوهشی اجتماعی و از نوع مطالعات جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی است لذا در این پژوهش رویکردهای جامعه‌شناختی در خصوص انحراف و جرم مورد توجه بوده و سعی بر آن داریم که در تدوین طراحی چارچوب تئوریک و نظری پژوهش از این دسته از تئوری‌ها و نظریات بیشتر استفاده نماییم.

رویکردهای جامعه‌شناختی انحرافات رفتاری

جامعه‌شناسان معتقدند که بسیاری از صورت‌های رفتار انحراف‌آمیز از شخصی به شخص دیگر انتقال می‌یابد. و این فراگرد آموزشی نیز همان مکانیسم‌های فراگردهای آموزشی دیگر را دارد. جامعه‌شناسان به دنبال این نیستند که چرا اشخاص معینی به اعمال انحرافی دست می‌زنند بلکه آن‌ها مایل هستند بفهمند چرا انحراف اصولاً بروز می‌کند، چرا از الگوهای معینی پیروی می‌کنند و چرا بعضی اعمال و نه بعضی دیگر در ابتدا انحرافی نامیده می‌شوند. جامعه‌شناسان برای تبیین عوامل مؤثر بر رفتار انحرافی بر حسب اجتماعی شدن نارسا شیوه‌های مختلفی را برمی‌گزینند. یکی از شیوه‌ها این است که فرض کنیم افرادی که به صورت صحیح اجتماعی نشدند هنجارهای فرهنگی را در خود جایگزین نکردند و بدینسان قادر نیستند بین رفتار مناسب و نامناسب تمایز قایل شوند. شیوه دوم این است که باید معلوم شود که فرد چگونه رفتار انحرافی را می‌آموزد؟ زیرا انواع صور کجروی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود و سوم آنکه آیا می‌توان انحراف را نتیجه نارسائیهای موجود بین فرهنگ و ساخت اجتماعی بدانیم؟ در جامعه‌شناسی بویژه جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی نظریات و تئوری‌های مختلفی در خصوص علل و عوامل و اصولاً چرای بروز جرم و انحراف از سوی اندیشمندان و جامعه‌شناسان مختلف در قالب مکاتب متعدد مطرح گردیده است که هر کدام از آن‌ها از دیدگاه و

منظری سعی در تبیین این پدیده اجتماعی داشته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱- نظریه و تئوری فشارهای ساختاری

۲- نظریه و تئوری انتقال فرهنگی (پیوند افتراقی ساترلند)

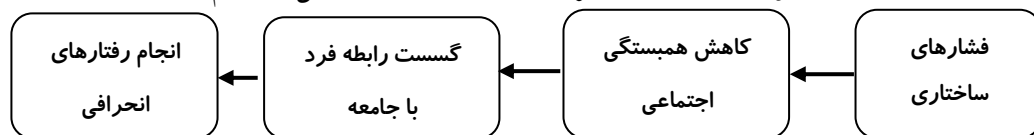
۳- نظریه و تئوری کنترل اجتماعی (آلفرد هیرشی)

۴- نظریه و تئوری برچسپ (انگ)

نظریه‌های فشارهای ساختاری: سؤال اصلی در نظریه فشار مثل هر نظریه دیگری در پارادایم اثبات گرایی این است که چرا مردم کج رفتاری می‌کنند و پاسخ کلی این نظریه به این سؤال، این است که عواملی در جامعه وجود دارند که برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کج رفتاری می‌کنند (اگنیو، ۱۹۹۵). در میان نظریات فشارهای ساختاری نظریه دورکیم و رابرت مرتون از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند.

نظریه دورکیم: در بین تئوریسین‌های نظریه فشارهای ساختاری امیل دورکیم این فشار را ناشی از ساختار اجتماعی می‌داند که بر اثر آن همبستگی‌های اجتماعی سست شده و باعث گسست ارتباط اجتماعی میان فرد و جامعه می‌گردد و در نهایت فرد را وادار به انجام رفتارهای مجرمانه از جمله خودکشی می‌نماید لذا بر همین اساس وی خودکشی را نتیجه فشارهای ساختار اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی و نهایتاً افول رابطه فرد با جامعه تفسیر می‌کند. (آزاد، ۱۳۷۲: ۳۱)

نمودار شماره (۱): نظریه فشارهای ساختاری امیل دورکیم



نظریه‌های انتقال فرهنگی (یادگیری اجتماعی)

مجموع صاحب نظرانی که موضوع انتقال فرهنگی و یادگیری اجتماعی را مطرح ساخته‌اند بر این باورند که کج رفتاری و هم‌نوایی طی فرایندهایی مشابه یاد گرفته می‌شوند و کج رفتاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به ویژه در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های هم‌مالان است. بنابراین نکته اصلی در این نظریه‌ها این است که افراد کج رفتاری را در طول تعامل خود و طی فرایندهای خاصی که توضیح داده خواهد شد یاد می‌گیرند. (ستوده: ۱۳۸۴: ۵۵)

ساترلند و نظریه انتقال فرهنگی (پیوند افتراقی): نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کج رفتاری اجتماعی است. نکته اصلی نظریه ساترلند این است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیرانحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کج رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده‌های هم‌نوایانه برخوردارند (یعنی تماس بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایده‌های کج رفتاری) علت اصلی کج رفتاری آن‌هاست. خلاصه‌ای از رویکرد ساترلند به مسأله کج رفتاری را به دلیل اهمیت فراوان آن نقل می‌کنیم: (سیف‌الهی: ۱۳۹۱: ۵۹)

۱- کج رفتاری یادگرفتنی است. نه ارثی است و نه محصول بهره هوشی پایین یا آسیب مغزی و امثال آن

۲- کج رفتاری در تعامل با دیگران آموخته می‌شود.

۳- بخش اصلی یادگیری کج رفتاری در حلقه درون گروه روی می‌دهد و رسانه‌های جمعی و مطبوعات نقش دوم را ایفا می‌کنند.

- ۴- یادگیری کج رفتاری شامل آموختن فنون خلاف کاری و سمت و سوی خاص انگیزه ها، کشش ها و گرایش ها می شود.
- ۵- سمت و سوی خاص انگیزه ها و کشش ها از تعریف های مخالف و موافق هنجارها یاد گرفته می شود.
- ۶- فرد به دلیل بیشتر بودن تعریف های موافق تخلف، به نسبت تعریف های موافق با همنوایی با هنجارها کج رفتار می شود.
این نکته، قضیه کلیدی نظریه سادرلند است.
- ۷- پیوندهای افتراقی ممکن است از نظر فراوانی، دوام، رجحان و شدت، متفاوت باشند.
- ۸- فرایند یادگیری کج رفتاری از طریق تعامل با کج رفتاران و همنویان، سازوکارهای مشابهی با هر نوع یادگیری دیگر دارد.
- ۹- کج رفتاری را که خود تجلی نیازها و ارزش های کلی است نمی توان با همین نیازها و ارزش های کلی تبیین کرد.

نظریه و تئوری کنترل اجتماعی (آلفرد هیرشی)

تعاریف کنترل اجتماعی: کنترل اجتماعی «به مکانیسم هایی اطلاق می شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می برد.» کنترل اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کجروی اجتماعی در راه آنان قرار می دهد، گفته می شود. مجموعه ای از منابع مادی و نمادینی که در اختیار جامعه قرار دارد و برای حصول اطمینان از همنوایی رفتاری اعضای با اصول و مقرراتی از پیش تعیین شده و مورد تایید، از آن استفاده می کند. (شغفوری: ۱۳۸۹: ۷۲).

طرفداران نظریه کنترل اجتماعی می‌گویند که باید به «رفتار مجرمانه» در جامعه توجه داشت نه همنوایی؛ زیر زندگی روی هم رفته پر از وسوسه و فریب است. مردم فقط به این دلیل با هنجاری‌های اجتماعی همنوایی نشان می‌دهند که جامعه قادر است، رفتار آنان را کنترل کند و اگر چنین کنترلی نبود، ممکن بود، «همنوایی» کمی وجود داشته باشد. (فرجاد: ۱۳۹۲: ۴۱)

شیوه‌های کنترل اجتماعی: کنترل اجتماعی در جامعه به دو شیوه متفاوت صورت می‌گیرد: ۱- از طریق اجبار: که بر اساس آن افراد را به پذیرش شیوه‌های زندگی و الگوهای رفتاری جامعه، با به کار بردن وسایل گوناگونی نظیر مجازات‌های حقوقی و تنبیه، وامی دارند. ۲- از طریق اقناع: که بر اساس آن افراد را با وسایل گوناگون اقناع چون: تبلیغ، پاداش، اعتبار، اعطای درجه، تمجید کردن، تشویق و قدردانی، وادار به پذیرش هنجارهای اجتماعی می‌کنند. (شیخاوندی: ۱۳۸۸: ۸۴)

انواع کنترل اجتماعی: کنترل‌های اجتماعی را می‌توان از نظر هدف‌هایی که در جامعه دارند، به انواع زیر تقسیم کرد: (همان، ۸۵)

۱- کنترل غیررسمی: کنترل غیررسمی، شکلی از کنترل اجتماعی است که در عرصه رویاروی اجتماعی اعضای جامعه در خانواده، مدرسه، محل کار و ... تحقق می‌یابد. افرادی که بر خلاف هنجاری‌های سنتی و معیارهای خانوادگی و اجتماعی رفتار کنند، از سوی دیگران برای همنوایی با هنجارهای اجتماعی تحت فشار قرار می‌گیرند، افراد ناهمنوا از جامعه طرد می‌شوند یا مورد تمسخر و استهزای دیگران قرار می‌گیرد.

۲- کنترل رسمی: کنترل رسمی مبتنی بر عنصر حقوقی و قانونی کنترل اجتماعی است. در کنترل رسمی، قوانین جامعه، راهنمای اعضای آن هست و گروه‌هایی نیز وجود دارد که این قوانین و مقررات را در جامعه اعمال می‌کنند و کجروان اجتماعی و مجرمان را دستگیر

می‌کنند. در کنار این گروه‌ها، موسسات و سازمانهایی چون مدرسه، اداره و ... نیز وجود دارند که دارای معیارها و مقرراتی برای کنترل اجتماعی است.

۳- کنترل اجتماعی مثبت و منفی: در کنترل اجتماعی اگر بخواهیم افراد جامعه را با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی هم‌نوا سازیم باید از مکانیسم کنترل اجتماعی مثبت استفاده کنیم که تشویق‌ها، آفرینها، قدردانیها و اعمال شوق‌انگیز در این مکانیسم جای می‌گیرد. اما اگر در کنترل اجتماعی بخواهیم افراد جامعه را از رفتارها و گرایشهای ضد اجتماعی منصرف کنیم باید از مکانیسم کنترل اجتماعی منفی بهره‌جوییم که تنبیه، توبیخ، تهدید، بی‌اعتنایی، ریشخند، جریمه و زندان در این مکانیسم قرار دارد.

نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرسچی: «تراویس هیرسچی» به عامل «همبستگی» برای کنترل اجتماعی ایمان دارد و معتقد است گروهی که اعضایش با هم همبستگی قوی داشته باشند، بهتر قادر به اعمال کنترل اجتماعی روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آنها همبستگی استواری وجود نداشته باشد. (رفیع پور: ۱۳۸۸: ۱۱۷)

وی بیان می‌دارد که انسان‌ها در جامعه به وسیله چهار عنصر زیر به هم پیوند می‌خورند:

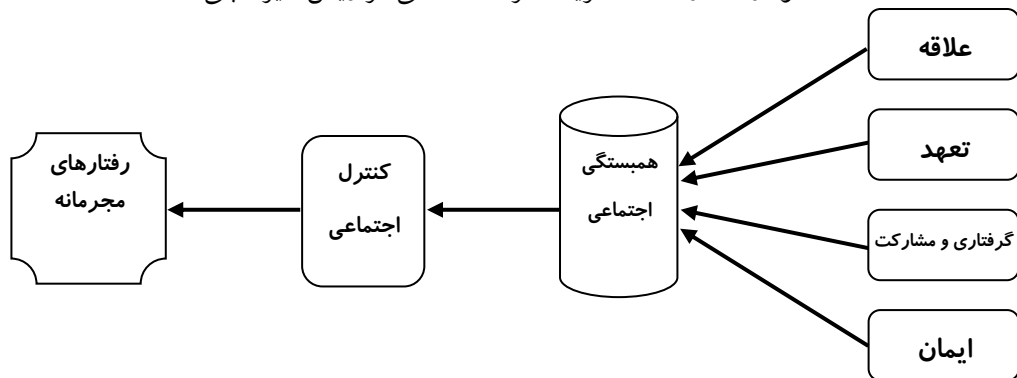
۱- علاقه: کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات این گونه مردمان را در نظر می‌گیرند؛ لذا مایلند با مسئولیت عمل کنند. برعکس، کسانی که چنین علاقه‌ای ندارند، نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند، بنابراین بیشتر احتمال دارد که در جامعه مرتکب جرم شوند.

۲- تعهد: افرادی که نسبت به جامعه از تعهد بیشتری برخوردارند، برای حفاظت از دستاوردهای خود و ارزش‌های جامعه، با دیگران هم‌نوا می‌شوند در مقابل کسانی که نسبت به جامعه تعهد کمتری دارند، خطر کمتری در ارتکاب جرم می‌بینند و حتی ممکن است فرصتی برای سود بردن از آن نیز به دست آورند.

۳- گرفتاری و مشارکت: عنصر سوم در پیوند با جامعه، گرفتاری و مشارکت اجتماعی است. معمولاً کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... هستند، کمتر فرصت پیدا می‌کنند که در رفتارهای انحرافی شرکت جویند. بر عکس آدم بیکار و عاطل و باطل دست به کار خلاف می‌زند. یعنی کسانی که کاری ندارند و یا در فعالیتهای مرسوم جامعه مشارکتی ندارند، فرصت بیشتری را برای کجروی پیدا می‌کنند.

۴- ایمان: ایمان یعنی وفاداری فرد به ارزش‌های و هنجارهای اخلاقی. اگر مردمی قویاً باور داشته باشند که برخی از رفتارهای انحرافی درست نیست، مشارکت جستن در آن‌ها برایشان دور از تصور است. در مقابل، کسانی که نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی وفاداری ضعیفی دارند، ممکن است تمایل بیشتر داشته باشند که ارزش‌های اجتماعی را نادیده گرفته و از هنجارهای اجتماعی انحراف ورزند.

نمودار شماره (۲): نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرسچی



نظریه و تئوری برچسب (انگ)^۱

بسیاری از جرم‌شناسان ردپای نظریه برچسب زنی را به کتاب «جرم و اجتماع» (۱۹۳۸) اثر فرانک تانن بام^۲ باز می‌گردانند او معتقد بود وقتی فردی به عنوان بزهکار

^۱ - Labelling theory

^۲ - frank Tannenbaum

دستگیر می‌شود این برچسب [بزهکاری] علاوه بر اینکه می‌تواند تصویر شخص از خودش را تغییر دهد موجب می‌شود تا مردم نسبت به آن برچسب و نه به خود آن فرد واکنش نشان دهند لکن این تفکر تانن بام عنوان برچسب زنی به خود نگرفت تا اینکه در سال ۱۹۶۳ آقای هوارد بکر^۱ استاد دانشگاه شیکاگو نظریه تانن بام را روز آمد کرد و تئوری برچسب زنی یا انگ زنی یا لکه زنی^۲ را ارائه کرد. (عبدی: ۱۳۸۸: ۹۸)

یکی از مهم‌ترین رویکردها برای درک تبهکاری نظریه «برچسب زنی» نام گرفته است. نظریه سازان برچسب زنی کجروی را نه به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های افراد یا گروه‌ها، بلکه به عنوان یک فرآیند کنش متقابل بین کجروان و ناکجروان تبیین می‌کنند. کسانی که نماینده نیروهای نظم و قانون هستند یا می‌توانند تعاریف اخلاق متعارف را بر دیگران تحمیل می‌کنند، منابع اصلی برچسب زنی را فراهم می‌سازند. این زمینه‌ها توسط ثروتمندان برای فقرا، مردان برای زنان و توسط افراد مسن تر برای افراد جوان تنظیم می‌شود. مثل فرار از مدرسه، در محله مرفه یک فرآیند نسبتاً معصومانه در مرحله رشد (جوان) توسط والدین در نظر گرفته می‌شود، از سوی دیگر در نواحی فقیرنشین این قبیل اعمال ممکن است گرایش به بزهکاری تلقی شود. (بروس: ۱۳۸۰: ۱۲۴)

نظریه برچسب زنی مهم است زیرا مبتنی بر این فرض است که هیچ عملی ذاتاً تبهکارانه نیست. تعاریف قدرتمندان از تبهکاری از طریق تنظیم قوانین و تبیین آن توسط پلیس و نهادهای اصلاح‌خلافکاران محقق می‌شود. تئوری برچسب زنی حائز دو اصل اساسی می‌باشد: ۱- برخی مردم با ارتکاب به برخی اعمال منحرف شناخته می‌شوند. در عین حال که دیگران (با اعمالی مشابه) از برچسب «انحرافی» مصون می‌مانند و این

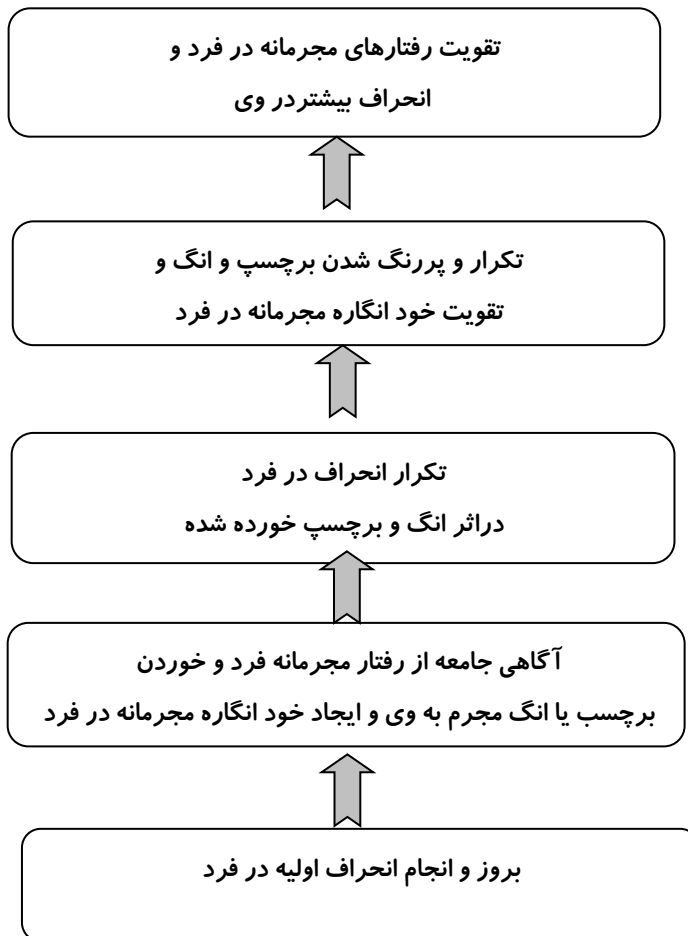
^۱ - Howard Becker

^۲ - stigmatization

وضعیت (تبعیض آلود) حالت فرآیندگونه دارد. ۲- با یک بار برچسب «انحرافی» انحراف و جرم در افراد برچسب خورده عادی گردیده و تقویت می‌گردد. (بیرامی: ۱۳۸۸: ۶۵)

لمرت انحراف را به انحراف نخستین و انحراف ثانویه تقسیم می‌نماید و معتقد است که: «انحراف در مرحله نخستین خواه جنبه آزمایشی داشته باشد یا از روی کنجکاوی باشد یا با محاسبه انجام شده باشد اثر چندانی بر خود پنداره، شخص به عنوان فردی درست رفتار نمی‌گذارد و فرد آن را یک تخلف جزئی می‌داند که در موقعیت‌های خاص قابل توجیه است» ولی معتقد است که اگر به هر دلیلی فرد مرتکب انحراف اولیه گردد و جامعه از رفتار انحرافی فرد آگاه شده و به وی برچسپ و انگ منحرف بزند این برچسپ و انگ می‌تواند زمنه انحرافات ثانویه را در وی ایجاد نماید. (میری آشتیانی: ۱۳۸۳: ۶۸)

نمودار شماره (۳): مدل تنوری برچسپ



روش تحقیق

در این پژوهش از روش «پیمایش» به عنوان روش اصلی و از روش «تاریخی» هم عنداللزوم به عنوان روش تکمیلی استفاده شده است. پرسشنامه به عنوان مناسبترین ابزار و تکنیک در این مطالعه انتخاب گردیده که مشتمل بر ۴۵ سوال بوده و داده‌ها و اطلاعات لازم به وسیله این تکنیک گردآوری می‌شود. بنیاد و شالوده پرسشنامه بر اساس چارچوب نظری و باستناد تعریف عملیاتی متغیرها و ارزیابی مفاهیم، سازه‌ها و ابعاد این متغیرها که به مصادیق متداولشان ارجاع داده شده، در سطوح اندازه‌گیری و طیف‌های مناسب طراحی گردیده است.

در این پژوهش، برای سنجش میزان روایی از روش همبستگی درونی گویه‌ها و همچنین «آلفای کرونباخ» که مبتنی بر ماتریس همبستگی گویه‌ای است و ضریب روایی کل طیف را مشخص می‌کند، استفاده گردید بر همین اساس ضریب روایی کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۹ محاسبه گردیده است (مظلومان، ۱۳۸۴: ۹۲).

این مرحله از پژوهش پس از اتمام گردآوری اطلاعات و بازبینی کلیه پرسشنامه‌ها و کدگذاری^۱ متغیرها بر اساس سطوح اندازه‌گیری متغیرها و شاخصها^۲ انجام می‌پذیرد. مرحله‌ای که داده‌ها جهت تجزیه و تحلیل^۳ آماری وارد کامپیوتر شده و برای پردازش^۴ و تبدیل آن‌ها به اطلاعات مورد نیاز از طریق بسته نرم افزاری SPSS آماده شده تا از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات در دو حالت کمی و کیفی تحلیل و پردازش شوند. البته روش‌های مناسب جهت تجزیه و تحلیل کمی را با کمک فرمول‌های آماری از

^۱-Coding

^۲-Indicator

^۳-Analysis

^۴-Process

جمله فراوانی درصد، ضریب همبستگی^۱، رگرسیون^۲، انجام شده و داده‌های خام پردازش می‌شوند و سپس مطلوبترین روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی را جهت داده‌های طبقه بندی شده مشخص می‌گردند. در هر حال جهت پردازش داده‌ها و برای استنتاج و بیان روابط بین متغیرها و تبیین متغیر وابسته در این پژوهش از آزمون‌های آماری و تحلیل روابط بین متغیرها از جمله، ضریب همبستگی پیرسن^۳ و اسپیرمن^۴ استفاده می‌شود. همچنین از رگرسیون چند متغیری^۵ و تحلیل مسیر^۶ نیز بهره گرفته شده است.

جامعه آماری و روش نمونه گیری: جامعه آماری ما در این پژوهش کلیه مرتکبین سرقت به عنف شهر کرمان می‌باشد که طی سال ۱۳۸۹ توسط کلانتری‌ها و آگاهی کرمان دستگیر شده و در دادگاه جرم شان اثبات گردیده است می‌باشند که از تمامی آنان بصورت تمام شماری اطلاعات مورد نیاز جمع آوری گردیده است بدین ترتیب که طی یکسال بیش از ۳۵۲ نفر از این افراد شناسایی و با هماهنگی بعمل آمده با اداره کل زندان‌های استان پرسشنامه‌ها بوسیله پرسشگران در بین آنان توزیع و تکمیل گردیده است؛ لذا این پژوهش بصورت سرشماری یا تمام شماری انجام خواهد گرفت.

یافته‌های تحقیق

H: بین دو متغیر میزان تحصیلات سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر میزان تحصیلات سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

^۱-Coefficient of correlation

^۲-Regression

^۳-Pearson Correlation Coefficient

^۴- Spearman Correlation Coefficient

^۵-Multiple regression Analysis

^۶-Path Analysis

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۱۱۵ و ۰.۰۲۹) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین میزان تحصیلات سارقین و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر وضعیت اشتغال سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر وضعیت اشتغال سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۰۱۳ و ۰.۰۱۹) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین وضعیت اشتغال سارقین و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر اعتیاد سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر اعتیاد سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۰۰۰ و ۰.۰۰۰) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین اعتیاد سارقین و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر زندگی سارقین در محلات جرم خیز و سرقت به عنف رابطه وجود

ندارد.

H_۱: بین دو متغیر زندگی سارقین در محلات جرم خیز و سرقت به عنف رابطه وجود

دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۳۲ و ۰.۰۳۵) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین زندگی سارقین در محلات جرم خیز و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر معاشرت سارقین با دوستان مجرم و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر معاشرت سارقین با دوستان مجرم و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۲۹ و ۰.۰۲۲) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین معاشرت سارقین با دوستان مجرم و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر عدم وجود والدین در خانواده سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر عدم وجود والدین در خانواده سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۲۶ و ۰.۰۲۸) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین عدم وجود والدین در خانواده سارقین و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر عدم زندگی سارقین با خانواده و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر عدم زندگی سارقین با خانواده و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۰۳۱ و ۰.۰۳۸) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < 0/05$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین عدم زندگی سارقین با خانواده و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H_۰: بین دو متغیر میزان تحصیلات پدر سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر میزان تحصیلات پدر سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۰۳۱ و ۰.۰۲۹) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < 0/05$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین میزان تحصیلات پدر سارقین و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H_۰: بین دو متغیر میزان تحصیلات مادر سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر میزان تحصیلات مادر سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۰۴۰ و ۰.۰۳۹) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < 0/05$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین میزان تحصیلات مادر سارقین و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H_۰: بین دو متغیر بعد خانوار سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر بعد خانوار سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰.۰۲۵ و ۰.۰۲۷) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < 0/05$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین بعد خانوار سارقین و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H_۰: بین دو متغیر عدم قاطعیت دستگاه قضایی و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر عدم قاطعیت دستگاه قضایی و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.
با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۲۱ و ۰.
(۰۲۲) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین
عدم قاطعیت دستگاه قضایی و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H_۱: بین دو متغیر عدم بازدارندگی و کم اثر بودن مجازات‌ها و سرقت به عنف رابطه
وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر عدم بازدارندگی و کم اثر بودن مجازات‌ها و سرقت به عنف رابطه
وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۳۱ و ۰.
(۰۲۷) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین
عدم بازدارندگی و کم اثر بودن مجازات‌ها و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H_۱: بین دو متغیر عدم نیاز سارقین به برنامه ریزی و امکانات خاص و سرقت به عنف
رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر عدم نیاز سارقین به برنامه ریزی و امکانات خاص و سرقت به عنف
رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۱۴ و ۰.
(۰۱۸) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین
عدم نیاز سارقین به برنامه ریزی و امکانات خاص و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود
دارد.

H_۰: بین دو متغیر عدم توجه مردم به نکات ایمنی و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.
H_۱: بین دو متغیر عدم توجه مردم به نکات ایمنی و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.
با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۲۸ و ۰ (۰۳۹) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین عدم توجه مردم به نکات ایمنی و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H_۰: بین دو متغیر ضعف و ناتوانی جسمی مال باختگان و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر ضعف و ناتوانی جسمی مال باختگان و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۱۴ و ۰ (۰۱۵) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین ضعف و ناتوانی جسمی مال باختگان و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H_۰: بین دو متغیر احساس ناکامی و اجحاف سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر احساس ناکامی و اجحاف سارقین و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۲۱ و ۰ (۰۱۹) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین احساس ناکامی و اجحاف سارقین و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر پایین بودن احتمال رد یابی اشیاء مسروقه و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر پایین بودن احتمال رد یابی اشیاء مسروقه و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۳۱ و ۰ (۰۳۸) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین پایین بودن احتمال رد یابی اشیاء مسروقه و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر کم رنگ بودن حضور پلیس و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین دو متغیر کم رنگ بودن حضور پلیس و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۱۲ و ۰ (۰۱۷) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین کم رنگ بودن حضور پلیس و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین دو متغیر پایین بودن ریسک و احتمال دستگیری و سرقت به عنف رابطه وجود ندارد.

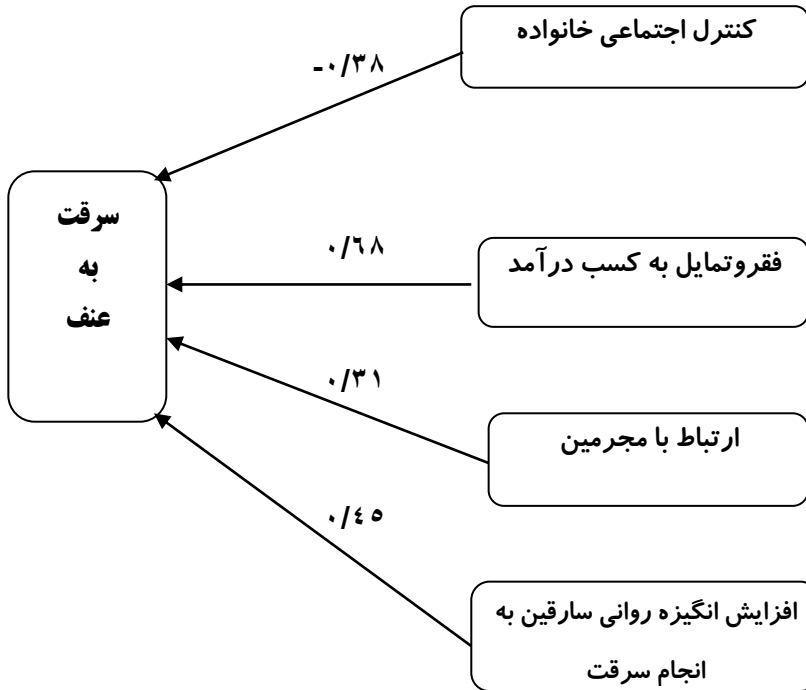
H_۱: بین دو متغیر پایین بودن ریسک و احتمال دستگیری و سرقت به عنف رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه ضرایب همبستگی پیرسن و اسپیرمن به ترتیب برابر با (۰) و ۰۲۱ و ۰ (۰۲۵) محاسبه گردیده با توجه به اینکه ($P < ۰/۰۵$ مقدار) فرض صفر رد می‌شود؛ لذا بین پایین بودن ریسک و احتمال دستگیری و سرقت به عنف رابطه معناداری وجود دارد.

اهم نتایج آزمون‌های رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر

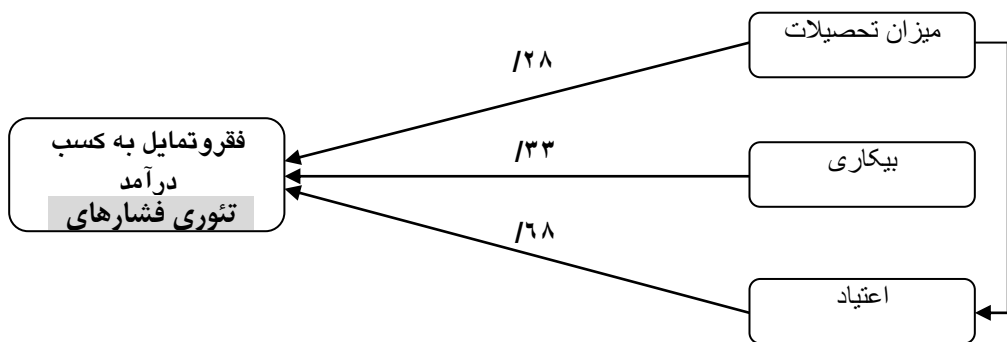
عمده‌ترین متغیرهای تأثیر گذار بر سرقت به عنف برحسب میزان همبستگی به ترتیب اولویت عبارتند از: فقر و تمایل به کسب درآمد با وزن بتای (۰/۶۸)، انگیزه‌های روانی با وزن بتای (۰/۴۵)، میزان کنترل اجتماعی خانواده با وزن بتای (۰/۳۸) و ارتباط با مجرمین با وزن بتای (۰/۳۱) که در مجموع حدود (۸۵ درصد) واریانس گرایش سرقت به عنف را تبیین می‌نمایند.

نمودار شماره (۴): مدل تحلیلی



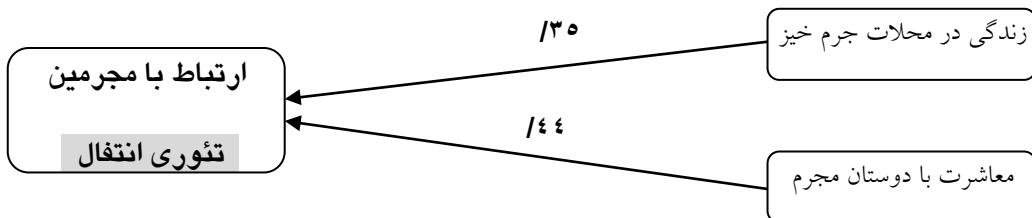
عمده‌ترین متغیرهای تأثیر گذار بر فقر و تمایل به کسب درآمد برحسب میزان همبستگی به ترتیب اولویت عبارتند از: اعتیاد با وزن بتای (۰/۶۸)، بیکاری با وزن بتای (۰/۳۳) و میزان تحصیلات با وزن بتای (۰/۲۸) که در حدود (۷۳ درصد) واریانس متغیر فقر و تمایل به کسب درآمد را تبیین می‌نمایند.

نمودار شماره (۵): مدل تحلیلی



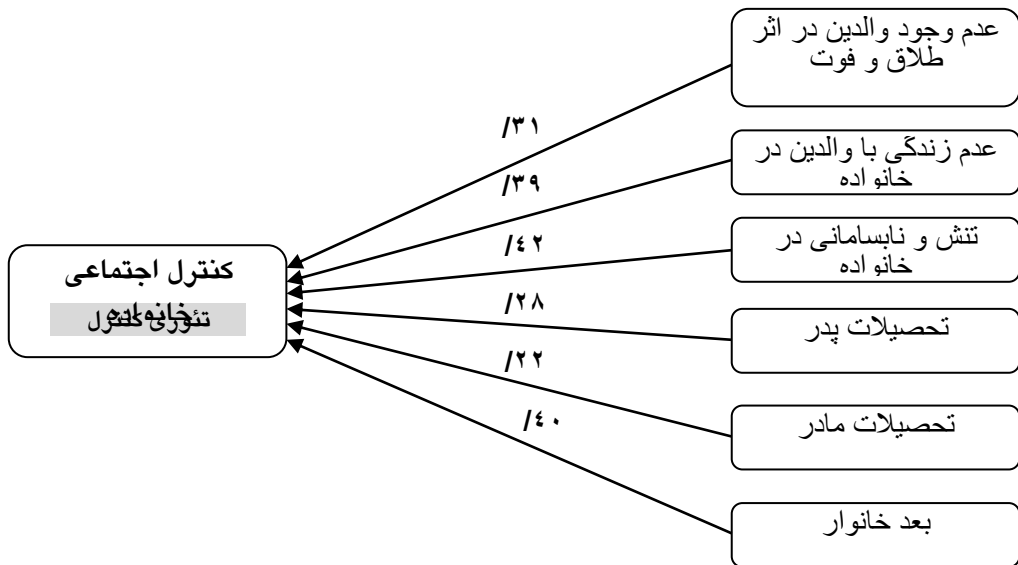
عمده‌ترین متغیرهای تأثیر گذار بر همنشینی و ارتباط با مجرمین برحسب میزان همبستگی به ترتیب اولویت عبارتند از: میزان معاشرت با دوستان مجرم با وزن بتای (۰/۴۴) و زندگی در محلات جرم خیز با وزن بتای (۰/۳۵) که مجموعاً در حدود (۷۹ درصد) واریانس متغیر همنشینی و ارتباط با مجرمین را تبیین می‌نمایند.

نمودار شماره (۶): مدل تحلیلی



عمده‌ترین متغیرهای تأثیر گذار بر کنترل اجتماعی خانواده برحسب میزان همبستگی عبارتند از: عدم وجود والدین در خانواده در اثر فوت یا طلاق با وزن بتای (۰/۳۱-)، عدم زندگی با والدین در خانواده با وزن بتای (۰/۳۹-)، میزان تنش و نابسامانی در خانواده با وزن بتای (۰/۴۲-)، تحصیلات پدر با وزن بتای (۰/۲۸)، تحصیلات مادر با وزن بتای (۰/۲۲) و بعد خانوار با وزن بتای (۰/۴۰-) که در مجموع حدود (۸۸ درصد) واریانس کنترل اجتماعی خانواده را تبیین می‌نمایند.

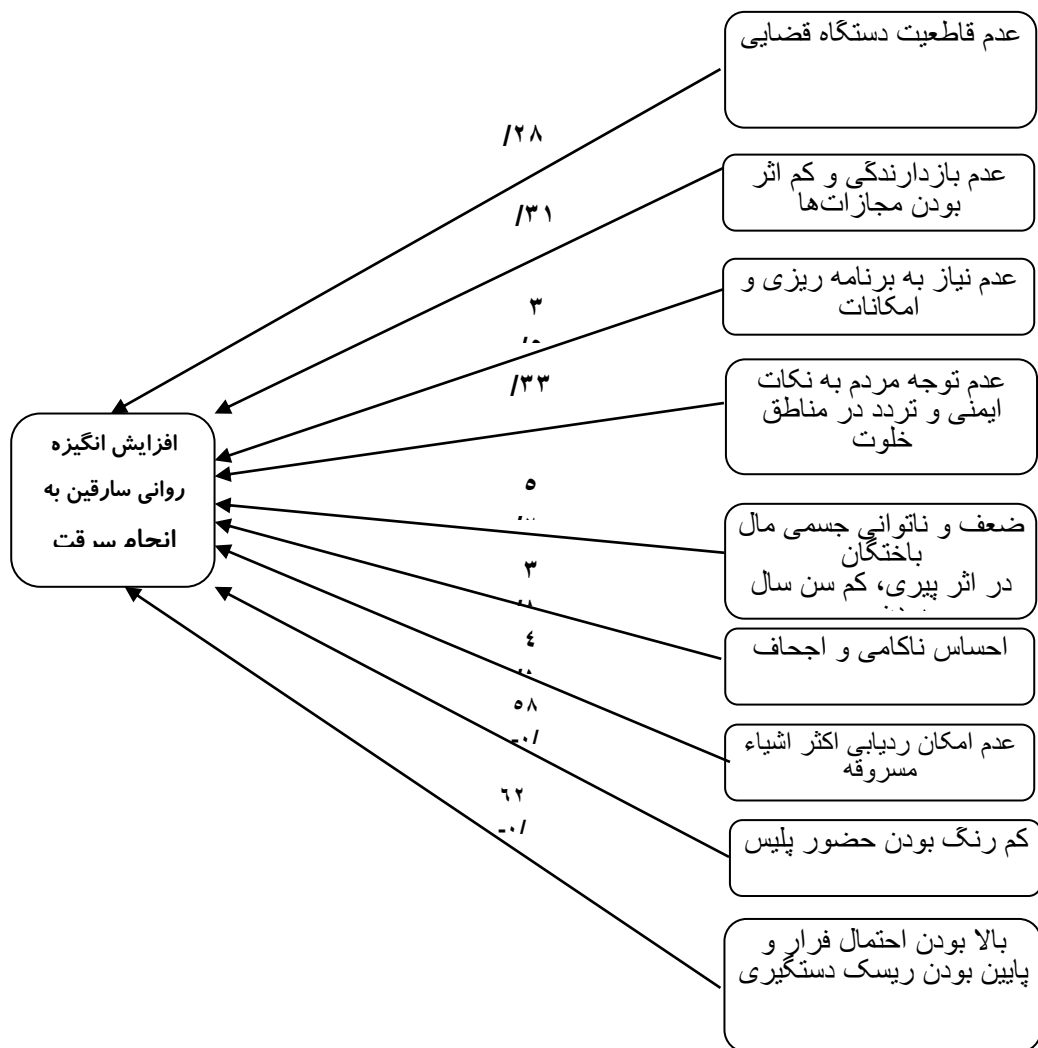
نمودار شماره (۷): مدل تحلیلی



عمده‌ترین متغیرهای تأثیر گذار بر افزایش انگیزه روانی سارقین به انجام سرقت برحسب میزان همبستگی عبارتند از: عدم قاطعیت دستگاه قضایی با وزن بتای (۰/۲۸-)، عدم بازدارندگی و کم اثر بودن مجازات‌ها با وزن بتای (۰/۳۱-)، عدم نایز به برنامه ریزی و امکانات خاص با وزن بتای (۰/۳۵-)، عدم توجه مردم به نکات ایمنی و تردد در مناطق خلوت با وزن بتای (۰/۳۳-)، ضعف و ناتوانی جسمی مال باختگان در اثر پیری، کم سن

و سال بودن و... با وزن بتای (۰/۵۲)، احساس ناکامی و اجحاف با وزن بتای (۰/۳۸)، عدم امکان ردیابی اکثر اشیاء مسروقه با وزن بتای (۰/۴۱)، کم رنگ بودن حضور پلیس با وزن بتای (۰/۵۸-) و پایین بودن ریسک دستگیری با وزن بتای (۰/۶۲-) که مجموعاً در حدود (۸۸ درصد) واریانس افزایش انگیزه روانی سارقین به انجام سرقت را تبیین می‌نمایند.

نمودار شماره (۸): مدل تحلیلی



بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش عمده‌ترین متغیرهای تأثیر گذار بر افزایش انگیزه روانی سارقین به انجام سرقت برحسب میزان همبستگی عبارتند از: عدم قاطعیت دستگاه قضایی با وزن بتای (۰/۲۸-)، عدم بازدارندگی و کم اثر بودن مجازات‌ها با وزن بتای (۰/۳۱-)، عدم نایز به برنامه ریزی و امکانات خاص با وزن بتای (۰/۳۵-)، عدم توجه مردم به نکات ایمنی و تردد در مناطق خلوت با وزن بتای (۰/۳۳-)، ضعف و ناتوانی جسمی مال باختگان در اثر پیری، کم سن و سال بودن و... با وزن بتای (۰/۵۲-)، احساس ناکامی و اجحاف با وزن بتای (۰/۳۸-)، عدم امکان ردیابی اکثر اشیاء مسروقه با وزن بتای (۰/۴۱-)، کم رنگ بودن حضور پلیس با وزن بتای (۰/۵۸-) و پایین بودن ریسک دستگیری با وزن بتای (۰/۶۲-) که مجموعاً در حدود (۸۸ درصد) واریانس افزایش انگیزه روانی سارقین به انجام سرقت را تبیین می‌نمایند.

پیشنهادها

الف: پیشنهادات و راهکارها در بعد قضایی و حقوقی

- افزایش بازدارندگی مجازات‌های جرم سرقت بویژه سرقت به عنف متناسب با مصادیق و اشکال مختلف آن و با توجه به نوع اموال مسروقه و شیوه انجام جرم
- تهیه و تدوین قوانین حقوقی و قضایی خاص در ارتباط با جرم سرقت به عنف
- قاطعیت بیشتر دستگاه قضایی و قضات محترم در خصوص سارقین به عنف بویژه سارقین حرفه‌ای و سابقه دار

ب: پیشنهادات و راهکارهای در بعد خانوادگی

- آگاه سازی خانواده‌ها و حساس نمودن آنان نسبت به کنترل فرزندان خود بویژه در خصوص معاشرت آنان با دوستان و همسالان مخصوصاً در مناطق جرم خیز
- توجه بیشتر والدین به فرزندان و نیازهای مختلف اقتصادی، روحی و عاطفی آنان

- مراقبت و توجه بیشتر والدین نسبت به فرزندان خود در خصوص اعتیاد به مواد مخدر

- توجه بیشتر به خانواده‌های از هم گسیخته و تک سرپرست از سوی دولت و دستگاه‌های حمایتی از جمله بهزیستی، کمیته امداد و...

ج: پیشنهادات و راهکارهای در بعد اجتماعی و اقتصادی

- کاهش اعتیاد در جامعه

- کاهش بیکاری در جامعه

- کاهش فقر در جامعه

- کاهش فاصله طبقاتی در جامعه

- افزایش امکانات گذران اوقات فراقت در جامعه بویژه برای جوانان بویژه در مناطق جرم خیز

- آگاه سازی جوانان بویژه در مناطق جرم خیز

د: پیشنهادات و راهکارهای در بعد اطلاع رسانی و آگاه سازی عمومی

- تدوین و اجرایی برنامه مختلف اطلاع رسانی از طریق رسانه‌های مختلف و

افزایش آگاهی‌های عمومی در این خصوص و حساس نمودن مردم نسبت به

رعایت نکات ایمنی و عدم تردد در مناطق خلوت بویژه بصورت انفرادی

- اطلاع رسانی و حساس نمودن به رعایت نکات ایمنی بویژه در مناطق و محلاتی

که سرقت به عنف در آن بیشتر انجام می‌گردد

ه: پیشنهادات و راهکارهای در بعد انتظامی

- افزایش حضور فیزیکی پلیس بویژه در مناطق و محلاتی که سرقت به عنف در

آن بیشتر انجام می‌گردد.

- استفاده از امکانات و تجهیزات کنترل نامحسوس مانند نصب دروبین بویژه در مناطق و محلاتی که سرقت به عنف در آن بیشتر انجام می‌گردد.
- افزایش گشت‌های موتوری جهت کاهش احتمال فرار سارقین و افزایش ریسک دستگیری آنان بویژه در مناطق و محلاتی که سرقت به عنف در آن بیشتر انجام می‌گردد

منابع

- آزاد، تقی. (۱۳۷۷)؛ بررسی مسائل اجتماعی، نشر جهاد دانشگاهی.
- بروس کوئن. (۱۳۸۰)؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگ معاصر.
- بیرامی، منصور. (۱۳۸۸)؛ خانواده و آسیب‌شناسی آن، انتشارات آیدین.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۸)؛ انومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۴)؛ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ندای آریانا.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۴)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) آوای نو.
- سیف‌الهی، سیف‌الله. (۱۳۹۱)؛ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، نشر جامعه پژوهان.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۸)؛ جامعه‌شناسی انحرافات، بخش کتاب.
- صبری، نورمحمد. (۱۳۸۸)؛ جرم سرقت در حقوق کیفری ایران و اسلام، تهران، ققنوس.
- عبدی، عباس، گودرزی، محسن. (۱۳۸۸)؛ تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات سروش.
- غفوری فرد، سید حسن. (۱۳۸۹)؛ انگیزه‌شناسی جنایی، دانشگاه تهران.
- فرجاد، محمد حسین. (۱۳۹۲)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی و ستیژه‌های خانوادگی و طلاق، نشر منصوری.
- مظلومان، رضا. (۱۳۸۴)؛ جامعه‌شناسی کیفری، دانشگاه تهران.
- میری آشتیانی، الهام. (۱۳۸۳)؛ مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات ویستار.